

زندانیان سیاسی

درک فان زیل اسمیت



زندانیانی که

موقعیت نامعلومی دارند

در قوانین کیفری کمتر مفهومی مانند مفهوم «زندانی سیاسی» موضوع مناقشه (یا به اصطلاح «متنازع فیه») است. مفهوم ضمنی زندانی سیاسی آن است که این دسته از زندانیان گروهی جداگانه از محبوسان را تشکیل می‌دهند که به علت طبیعت رفتاری که موجب حبس آنان شده است، باید رفتار متفاوتی با آنان انجام گیرد.

نخستین نکته مورد اختلاف این است که آیا وجود مقوله جداگانه زندانیان سیاسی را باید به رسمیت شناخت. صفت «سیاسی» نشان می‌دهد که زندانیان مورد نظر اعمالی مرتکب شده‌اند که به صورتی مستقیم اقتدار و مشروعیت حکومتی که آنان را محبوس کرده، به مبارزه طلبیده است. بنابراین به رسمیت شناختن آنها به عنوان «زندانیان سیاسی» مستلزم تأیید این نکته توسط حکومت است که با چالشی روبه‌رو شده است که فراتر از چالش ایجاد شده توسط «مجرمان عادی» است؛ تخطی مجرمان عادی از قوانین کشور به‌طور مشخص خود دولت یا حکومت را هدف قرار نمی‌دهد. در نتیجه، حکومت‌ها اغلب از پذیرش این امر که در زندان‌های خود «زندانی سیاسی» دارند امتناع می‌کنند.

در جوامع مردم‌سالار، برای دولت قابل قبول نیست که با زندانی کردن کسانی که از آن حمایت نمی‌کنند قدرت خود را حفظ کند. هر جا که تعداد زیادی از مخالفان دولت، بر اساس مقررات اضطراری یا پس از اعلام حکومت نظامی، بدون محاکمه زندانی شوند، برای حکومت انکار صریح این امر که به دلایل سیاسی اشخاص را زندانی کرده، دشوار است. دولت‌هایی که این‌گونه عمل می‌کنند معمولاً مدعی آن‌اند که این اقدامات موقت است و با هدف جلوگیری از آشوب و بی‌نظمی صورت گرفته است. در این‌گونه موارد، مبارزات مردمی که خواستار اعلام موارد اتهام یا آزادی دستگیرشدگان می‌شوند، ممکن است بسیار مؤثر باشد. زیرا دولت این اصل را تأیید کرده است که رفتار غیردموکراتیک است.

تروریست یا رزمنده آزادی

اگر مخالفان دولت مطابق قوانین جزایی متهم و محکوم و زندانی شوند موقعیت پیچیده‌تری ایجاد می‌شود. دولت‌ها از چنین وضعیتی استقبال می‌کنند، زیرا به آنان اجازه می‌دهد سیاسی بودن زندانیان مورد نظر را منکر شوند و ادعا کنند که بازداشت آنها

بالا، زندانیان سیاسی
آفریقای جنوبی و خانواده‌هایشان
پس از آزادی از زندان در یک مرکز
بازپروری به شادی و پایکوبی
می‌پردازند.



واتسلاو هاول، از مخالفان پیشین رژیم. پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری چک و اسلوواک در ۱۹۹۰.

او را رد کند. این استثنا بر توافقاتنامه‌های عمومی استرداد مجرمان موضوع اختلاف نظر است. کشورها یا دادگاه‌هایشان در این مورد که آیا فلان جرم خاص سیاسی است یا عادی با یکدیگر اختلاف دارند. همچنین ممکن است در میان دولت‌ها در این مورد توافق شده باشد که برخی از اشکال رفتار چنان مردودند که مرتکبان آنها، صرف‌نظر از آنکه با انگیزه سیاسی یا غیرسیاسی باشد، باید به کشور متقاضی تحویل داده شوند. توافقاتنامه‌های بین‌المللی که استرداد اشخاص مظنون به هواپیماربایی یا تروریسم را مجاز می‌کند نمونه‌هایی از اجماع بین‌المللی در حال رشدی است که استثنای جرم سیاسی را محدود می‌کند. اما این مشکل وجود دارد که فردی که عده‌ای او را تروریست می‌دانند، ممکن است گروهی دیگر او را رزمنده راه آزادی بدانند.

«زندانیان عقیده»

یک راه برای پرهیز از دشواری‌های تعریف آن است که تنها بر برخی از زندانیانی که ممکن است زندانی سیاسی تلقی شوند تأکید شود. مثلاً عفو بین‌الملل، در پیکارهایی که برای دفاع از «زندانیان عقیده» به راه انداخت، جداً موفق بود. این سازمان همه کسانی را که به علت اعتقادشان زندانی شده‌اند زندانیان عقیده تعریف کرد، اما به‌خصوص کسانی را که خشونت به‌کار برده‌اند یا هوادار خشونت‌اند مستثنا کرد. این امر در پاسخ به این اعتراض است که سازمان عفو

به علت نقض حقوق جزا صورت گرفته است نه به این دلیل که آنها با دولت مخالفت می‌ورزند. بدین ترتیب دولت می‌تواند از مشروعیتی که حقوق جزا در بسیاری از جوامع دارد بهره‌برداری کند.

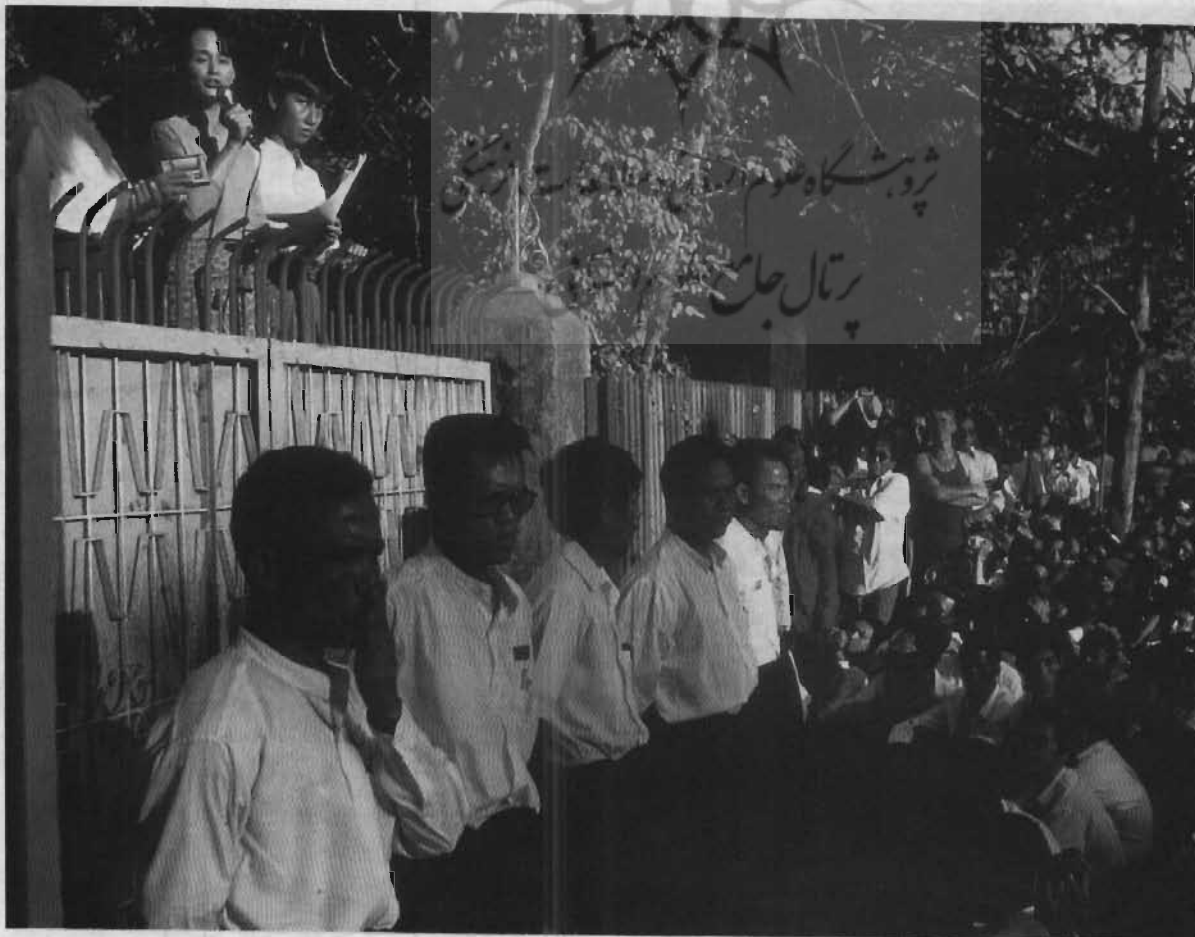
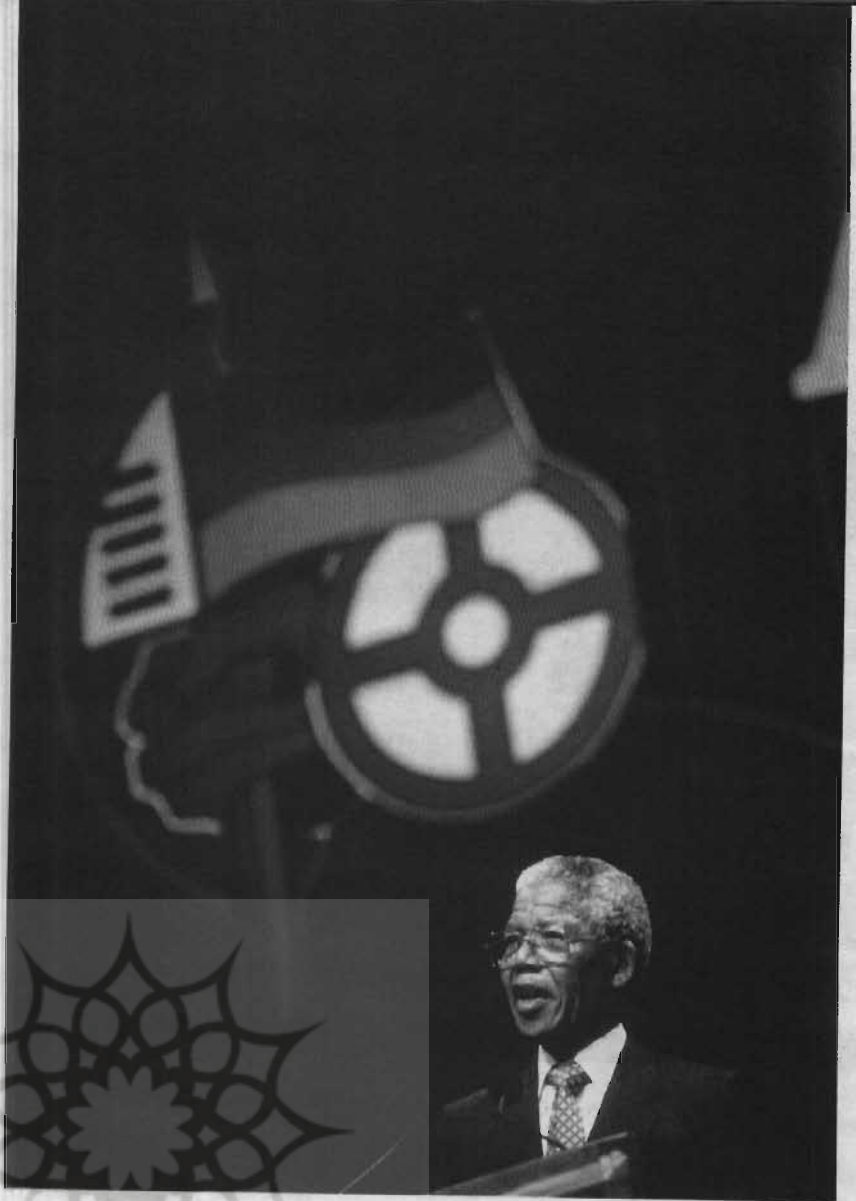
مخالفان دولت، که در دادگاه‌های جنایی محاکمه و زندانی می‌شوند، به چندین دلیل به محکومیت خود اعتراض می‌کنند. آنها به ساده‌ترین و مستقیم‌ترین وجه می‌توانند ادعا کنند که از جرایمی که بدان متهم شده‌اند مبرا هستند و محکومیت‌شان ناشی از رویه‌های جانبدارانه یا ناعادلانه قضایی است. ثانیاً، در مورد خود آنها می‌توانند تطبیق جرایم تعیین شده در حقوق جزا را با این استدلال که اقدامشان «جرایم عادی» نبوده است، رد کنند و مدعی شوند که دولت برای خفه کردن صدای مخالفان، رفتارشان را جرم جنایی وانمود کرده است. ثالثاً، می‌توانند محکومیت‌شان را با این استدلال مستقیماً رد کنند که رفتاری که دولت می‌کوشد آن را جرم، مثلاً خیانت، معرفی کند، به دلیل نامشروع بودن خود دولت، رفتاری موجه است.

بحث در این زمینه که جرایم سیاسی کدام‌اند و چه کسانی را باید زندان سیاسی دانست ممکن است از محدوده مرزهای ملی فراتر رود. هنگامی که یک کشور سعی دارد بنا به ادعای خود مجرمی را از کشور دیگر تحویل بگیرد و به دادگاه بکشد، حقوق بین‌الملل به کشور دوم اجازه می‌دهد، در صورتی که جرم خصیلتی سیاسی داشته باشد، تقاضای استرداد

بین‌الملل مدافع آرمان «تروریست‌های طرفدار خشونت» است. اما بسیاری از زندانیانی که انگیزه‌شان هدف‌های سیاسی است و ممکن است به‌عنوان آخرین چاره دست به خشونت زده باشند مستثنا شده‌اند. با این حساب، به عنوان نمونه، نلسون ماندلا را نمی‌شد زندانی سیاسی دانست، زیرا در تمام سال‌های طولانی حبس، سرنگونی خشونت‌آمیز دولت سابق افریقای جنوبی را رد نکرد.

در عمل، حل این مسئله که زندانی سیاسی کیست اغلب به‌صورتی مصلحت‌آمیز صورت گرفته است. دولت‌ها نوعاً اصرار دارند، همه کسانی که خود را زندانی سیاسی می‌دانند، مجرمانی عادی هستند، اما با برخی از زیر گروه‌های آنها برخورد متفاوتی دارند. مثلاً در ایرلند شمالی، دولت بریتانیا پیوسته از اعطای موقعیت زندانی سیاسی به زندانیان جمهوری خواه یا سلطنت طلب امتناع کرده است، اما در موارد متعدد آنها را در مقوله ویژه‌ای قرار داده است، یعنی اینکه آنها تابع شیوه برخوردی کاملاً متفاوت از دیگر زندانیان شده‌اند. هر اقدامی برای تغییر این موقعیت ویژه با مقاومت شدید زندانیان روبه‌رو می‌شود.

حتی شناسایی مشروط موقعیت ویژه زندانی سیاسی، برای این زندانیان مزایایی بالقوه در بردارد. در کلی‌ترین سطح، تأیید عمومی این امر که اعمال آنها به انگیزه ایجاد دگرگونی سیاسی و اجتماعی انجام می‌گیرد ممکن است در پیشبرد آرمانشان مؤثر باشد. حتی شناسایی محدود موقعیت ویژه ممکن است بدین معنا باشد که زندانیانی که جرایم ادعایی‌شان با انگیزه سیاسی بوده در گروهی واحد قرار گرفته‌اند.



نلسون ماندلا، مبارز ضد آپارتاید نزدیک به ۳۰ سال در زندان به سر برد. در ۱۹۹۳ او و فردریک دکلرک جایزه صلح نوبل را دریافت کردند. ماندلا سال بعد به ریاست‌جمهوری افریقای جنوبی برگزیده شد.

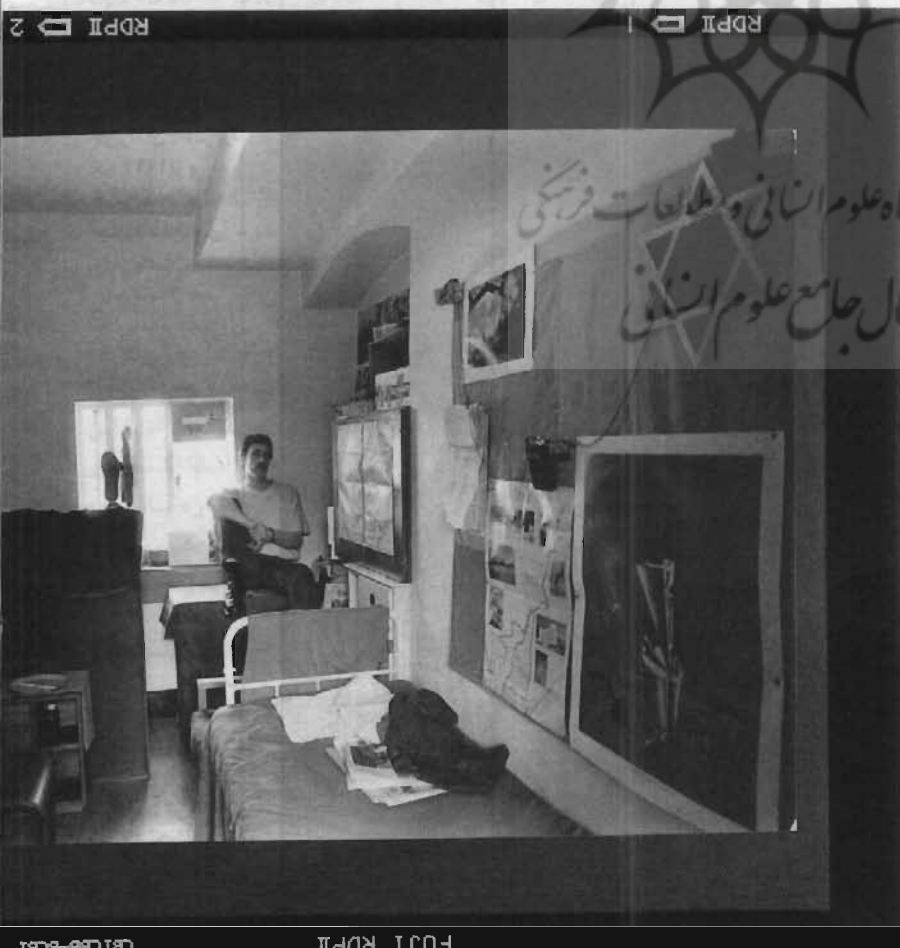
آنونگ سان سوکی (بالا چپ)، میکروفن به دست، رهبر سیاسی برمه، از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵ در رانگون در خانه‌اش تحت نظر بود. در ۱۹۹۱ جایزه صلح نوبل به وی تعلق گرفت.



RDPII 13

حیات پوشیده از برف، کار مایکل اینتز.

دوست من سامی، کار محمد منصور.



FUJI RDPII

CBI 88-8CBI

نمونه‌های متعددی وجود دارد که این زندانیان، در حبس، همبستگی و تعهد بیشتری به آرمان مشترک خود پیدا کرده‌اند. نمونه‌هایی نیز وجود دارد که زندانیان سیاسی معدودی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار شده‌اند، زیرا دولتی که آنها را در چنین وضعیتی قرار داده، تشخیص داده که ممکن است در آینده ناگزیر باشد با آنها وارد مذاکره شود.

اما شناسایی موقعیت ویژه زندانی سیاسی بالقوه هم خیر است و هم شر. نمونه‌های متعددی وجود دارد که رفتار با زندانیان سیاسی با شدت عمل خاصی همراه بوده است. به سادگی تمام، دولت ممکن است تصمیم بگیرد که نظام زندان را به نحوی به کار ببرد که روحیه مخالفان خود را درهم بشکند. اردوگاه‌های کار اجباری در زمان جنگ نوعی از نظام زندان است که با بسامد نگران‌کننده‌ای، با همین هدف انجام می‌شود. حتی مواردی مشاهده شده است که دادگاه‌ها در این جریان تباری کرده‌اند. مثلاً در ۱۹۷۸، در افریقای جنوبی، گروهی از زندانیان توانستند به دادگاه عالی کشور نزدیک شوند و تقاضا کنند که تاحدودی به اخبار جاری دسترسی داشته باشند. آنها در دادگاه خود را زندانیان سیاسی معرفی کردند در حالی که در آن زمان مقامات مسئول شدیداً با این عنوان مخالفت می‌ورزیدند. دادگاه این طبقه‌بندی خودساخته را پذیرفت، اما آن را در خدمت این استدلال گرفت که دقیقاً به این دلیل که متقاضیان زندانی سیاسی هستند، می‌توان آنها را از اخباری که در دسترس زندانیان دیگر قرار می‌گیرد محروم کرد.

ریشخند حکومت قانون

در عمل، موقعیت زندانیان سیاسی ممکن است در تعیین زمان آزادی آنان نیز نقش داشته باشد. از این لحاظ نیز ممکن است وضعیتی مثبت یا منفی پدید آید. ممکن است لازم باشد زندانیان سیاسی بخش اعظم دوره محکومیت خود را طی کنند تا عفو آنها مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، تغییر رژیم یا حتی تغییر جو سیاسی جامعه ممکن است به آزادی زودرس کسانی بینجامد که جرایمشان در اوضاع و احوال جدید سیاسی تعبیر شده است.

این‌گونه انعطاف‌پذیری خلاف حکومت قانون است، زیرا نشان می‌دهد تا آنجا که به زندانی سیاسی مربوط می‌شود، قوه مجریه مجاز است که با دخالت خود عملکرد عادی نظام قضایی را مختل کند. حکومت قانون نظام را ملزم می‌کند که مطابق با اصول صریح، از پیش تعیین‌شده و بی‌طرفانه عمل کند. این واقعیت که حکومت قانون در این‌گونه موارد ریشخند می‌شود نشان‌دهنده آن است که زندانی کردن مخالفان سیاسی هرگز روش مطلوب حل اختلافات سیاسی نیست، بلکه نمایانگر نقصی در عرصه سیاست است. حکومت‌ها باید تشخیص دهند وقتی که زندانیان خواهان برخورداری از موقعیت سیاسی می‌شوند نشانه آن است که آنها و بخشی از جامعه که هوادار آنهاست، خود را از فرایند سیاسی، جدا مانده احساس می‌کند. تقریباً با یقین می‌توان گفت که در این مصاف به جای دخالت دادن نظام کیفری قضایی باید به راه‌حل‌های سیاسی متوسل شد.